

سندیکای شرکت واحد

" این واقعیتی است که در جنبش سندیکالیستی برخی بینش های رفرمیستی و انحرافی وجود دارد که باید در برابر آنها هوشیار بود. زیرا چنین بینشهایی می تواند سندیکای کارگری را از مضمون طبقاتی تهی سازد از جمله این بینش های رفرمیستی می توان به گزارش های زیر اشاره کرد :

گرایش دائمی به سازشکاری با کارفرما که در عمل به زیان منافع زحمتکشان و به همکاری طبقاتی منجر می شود

طرفداری از نظریه اصلاح تدریجی که مطالبات بنیادی زحمتکشان در دست یابی به توسعه پایدار عدالت اجتماعی را معلق می گذارد .

محدود کردن فعالیت طبقه کارگر به مطالبات صرفاً "اقتصادیکه به کارفرمایان و به دولتهای سرمایه داری این امکان را می دهد که تسلط سیاسی و ایدیولوژیکی خود را بر زحمتکشان حفظ کند ."

سندیکاهای کارگری

گرد آورنده و تنظیم "زنده یاد یعقوب مهدیون "

از کمیسیون تبلیغات سندیکای کارگران شرکت واحد

قبل از هر چیز از تلاش تک تک کارگران شرکت واحد و همچنین از مقاومتشان در برابر مشکلات عدیده ای که بر آنها تحمیل شد ، اما از حقوق اولیه شان که داشتن سندیکای آزاد و مستقل کارگری بود ، دست بر نداشته و با آغوش باز به استقبال مشکلات می روند تا از حقوق خود و هم طبقه ای هایشان دفاع کنند ، تشکر و قدر دانی نموده و کوششان را ارج می نهم . به امید روزی که تمام کارگران دست در دست هم برای رسیدن به خواستها ، مطالباتشان و زندگی شایسته انسان و دنیایی بهتر ، دوشادوش هم تلاش و کوشش کنند .

در شرایطی که طبقه کارگر فاقد هر نوع تشکل آزاد و مستقل بود ، حرکت سندیکای کارگران شرکت واحد به عنوان تشکل کارگری و آزاد ، درسها و تجربیات ارزنده ای برای جنبش کارگری به همراه داشت و در تاریخ مبارزات کارگران ایران برگی را به نام خود ثبت کردند . برگی که حاکی از مبارزات و مقاومت دلیرانه کارگران سندیکای شرکت واحد است که توانستند با تلاششان حمایت های بین المللی اتحادیه های کارگری را از کارگران ایران به دست آورند . آنها نشان دادند که تشکل های آزاد و مستقل را هیچگاه به کارگران هدیه نمیدهند بلکه باید با مبارزات خود آنها بدست آورند و برای حفظش نیز کوشش کنند .

با نگاهی گذرا به تاریخ جنبش کارگری در می یابیم که در جامعه ایران به استثناء مقاطعی کوتاه ، تشکلهای علنی و توده ای کارگران که بتوانند وجود خود را به سرمایه تحمیل کنند وجود نداشته است . در دوره های معینی به خاطر بحرانهای سیاسی حاکم در جامعه ، از دامنه فشار و سرکوب و خفقان کاسته شده و کارگران توانسته اند تشکل های خود را ایجاد کنند ، اما این تشکل ها عمر کوتاهی داشته اند ، شرایطی که گویای نداشتن یک سنت قوی و تجارب کافی در جهت سندیکای ادامه کار است .*

سندیکای شرکت واحد از گرایش سندیکالیستی که گرایش معینی در جنبش کارگری است و پیشینه و محتوای اجتماعی و تاریخی معینی نیز دارد ، جدا نیست .

سندیکا در جامعه ایران، آنگونه که کارگران نیز از آن یاد میکنند، سندیکای زرد بوده، چنانکه بعد از سال ۱۳۳۲ سندیکاهایی که بوجود آمدند، مجموعاً "ساواک" بر آنها نظارت داشت و بیشتر فعالین این سندیکاها زیر نظر حزب ایران نوین و حزب مردم و بعدها حزب رستاخیز قرار داشتند. اگر در جامعه ایران طبقه کارگر میتواند سندیکای آزاد داشته باشد که ادامه کاری داشته و بطور مستقل عمل کند و تحت نظر پلیس سیاسی حاکم نباشد، امروز کارگران ایران نیز یک نقطه قدرت جدی داشتند. در شرایط کنونی طبقه کارگر جوانی پا به عرصه مبارزه گذاشته است، که بخش اعظم آن در سنت مبارزه متشکل کارگری رشد نکرده و از تاریخ مبارزات متشکل کارگری، تأثیرات جدی نپذیرفته است. طبیعی می باشد که کارگران بعد از سالها اولین تجربه سندیکای مستقل و آزاد کارگری، نارسایی هایی در زمینه فعالیت های عملی و مبارزاتی خود داشته باشند. وظیفه هر کارگر آگاهی است همانطور که از تلاش کارگران برای تشکیل سندیکا حمایت می کند و برای تقویت آن می کوشد، با نقد و بررسی تفکرات حاکم بر سندیکا، در جهت کمک به کارگران رادیکال و اتخاذ برنامه و سیاستهای رادیکال از سوی آنان، در جهت ارتقاء سندیکا تلاش و کوشش کند.

با حاکم شدن بینش های بورژوایی در تشکل های کارگری، این تشکلهای از درون مهار شده و در جهت منافع و سیاستهای سرمایه به تشکلی سترون تبدیل می شوند، در نوشته ای که زنده یاد یعقوب مهدیون آنرا گرد آوری نموده و بخشی از آنرا در اول نوشته آورده ام، بدرستی به کارگران هشدار داده است که بینش های رفرمیستی و انحرافی، سندیکای کارگران را به تشکلی عقیم تبدیل می کند. مسیله ای که کارگران در موردش باید کاملاً "هوشیار باشند و با تمام توش و توان خود با آن مبارزه کنند.

مهار و محدود کردن مبارزات کارگران در چهار چوب قانون کار، ایده آل سرمایه بوده و مطمئناً چنین تلاشی، تشکل کارگران را عقیم نموده و باعث میشود که روز به روز کارگران از چنین تشکلی فاصله بگیرند. البته این به آن معنا نیست که باید تشکل کارگری غیر قانونی باشد، بلکه باید کارگران با مبارزه متحد و یکپارچه، تشکل خود را به سرمایه و دولت تحمیل کنند. داشتن تشکل مستقل و آزاد حق ابتدایی کارگران است. بر این اساس نیز سندیکای شرکت واحد برای حفظ استقلال خود تلاش زیادی کرده و بهای آنرا نیز پرداخته است، هر چند که بنا بر تفکرات رهبران سندیکا همیشه سعی شده، سندیکا در محدوده و چهار چوب قانون کار فعالیت کند. البته باید اذعان داشت، جنبش سندیکالیستی به درجه ای ثبات در قانونیت بورژوایی و درجه ای از اجازه عمل قانونی احتیاج دارد. شرایطی که هیچگاه در جامعه نبوده و رهبران سندیکا نیز برای جبران آن سیاست سازش را در پیش گرفتند، تا جایی که در شهر تبریز پای میز مذاکره ای که ILO تشکیل داده بود و در آن خانه کارگر نیز شرکت داشت، نشستند. خانه کارگری که یک تشکل فرمایشی است و همیشه سعی کرده سیاستهای ضد کارگری دولت را پیش ببرد و به عنوان مشاوران کارفرمایان عمل کند. خانه کارگری که با سندیکا و رهبرانش چنان رفتاری کرد که سالیان سال نیز از حافظه آنان پاک نخواهد شد، خانه کارگری که دیگر کمتر کارگری پیدا میشود به آن متوهم باشد.

از سوی دیگر رهبران سندیکا تلاش کرده اند با مذاکرات مکرر خود با اصلاح طلبان، آنهم پشت درهای بسته، به سازش برسند. اصلاح طلبانی که تک، تکشان در تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضاء که تهاجمی وسیع و آشکار به زندگی و معیشت کارگران است، نقش اساسی داشته اند. عملکرد سندیکای شرکت واحد در این زمینه طبق تفکرات رهبران سندیکا، نتیجه ای جز انزوا نداشته و سبب شده که روز به روز کارگران شرکت واحد از سندیکا فاصله بگیرند.

رهبران سندیکا مجامع عمومی کارگران را بطور مرتب باید برگزار میکردند تا کارگران در تصمیم گیریها نقش فعالی داشته باشند. قدرت کارگران در حرکت‌های جمعی و تصمیم جمعی ایشان است. سندیکا بجای مذاکره با اصلاح طلبان و نشستن پای میز مذاکره ایکه خانه کارگر در آن شرکت داشت، میباید با تکیه به نیروی متحد و یکپارچه خود کارگران شرکت واحد و اتکا به نیروی طبقه کارگر در دیگر بخش‌ها، برای حفظ و تحمیل سندیکا و همچنین در راستای استمرار و تداوم مبارزه کارگران شرکت واحد و قوت بخشیدن به مبارزه آنان در رسیدن به مطالبات و خواسته هایشان حرکت میکرد.

در دنیای امروز حمل و نقل شهری از چنان درجه اهمیتی برخوردار است که اگر کارگران شرکت واحد، بطور یکپارچه در تمام بخشها اعتصاب میکردند و حمل و نقل شهری فلج میشد و هیچ کارگر و پرستار و کاسبی نمی توانست به موقع سر کارش حاضر شود از نظر اقتصادی سرمایه با هر دقیقه تأخیر میلیونها تومان ضرر می کرد. این اهرم قدرت کارگران شرکت واحد بود. کارگران قدرتشان در اهرمهای تولید است که در دست دارند و می توانند بطور مستمر روی آنها تاثیر بگذارند. قدرتی که کارگران در سال ۵۷ بخوبی آنرا نشان دادند. در این سال کارگران نفت، با دست کشیدن از کار و بستن شیر نفت، جلوی صادرات نفت را گرفتند.

طبقه کارگر مقابل سرمایه که قدرت اقتصادی را در دست دارد و بر خوردار از تمام امکانات و ارتش و زندان و غیره است، دو ابزار اساسی یعنی اعتصاب و تشکل را برای مبارزه دارد، ابزاری که کارگران هیچگاه نمی توانند بطور فردی از آن استفاده کنند، استفاده از آن در گرو جمع کارگران است. کارگران با متشکل شدن در تشکل هایشان، دست در دست هم، با اتکاء به نیروی هم سرنوشتشان، یعنی طبقه کارگر می توانند مقابل سرمایه بایستند و نگذارند سرمایه هر بلایی که می خواهد، سر کارگر بیاورد. کارگران در تجربه دیده اند با مبارزه پراکنده و بدون حمایت دیگر بخش های کارگری، شکست خورده و راه به جایی ندارد.

متأسفانه سندیکای شرکت واحد از همان آغاز مبارزات خود، هیچگاه رو به جامعه عمل نکرده و از مبارزات بخش های دیگر، حمایت مستمر ننموده و اجازه ندادند دیگران در کنارشان بایستند. در اعتراضات و حرکت های جمعی بخش های مختلف کارگران هیچگاه شرکت نکردند، فقط به این عنوان که ما نمی خواهیم سیاسی باشیم. در اصل تلاشی که سعی میکند، کارگران را از مبارزه مستقیم برای رسیدن به مطالباتشان باز دارد و با عمده کردن مخاطرات مبارزه مستقیم و برجسته کردن شکست های اعتراضات کارگران و عمده کردن مبارزه سیاسی به عنوان عامل شکست یا سرکوب و ارباب و دستگیری، مبارزات کارگران را محدود کرده و به بهای منزوی کردن مبارزات در این بخش از بخش های دیگر باعث پراکندگی و جدایی طبقه کارگر شوند. از سویی با دور کردن کارگران از مبارزه مستقیم، آنان را در مقابل سرمایه خلع سلاح می کنند. در حالیکه کارگران هر چه در راستای مبارزه مستقیم برای رسیدن به مطالباتشان حرکت کنند، تشکلشان پویاتر، متشکل تر، و در بر گیرنده توده های بیشتری از کارگران خواهد بود.

رهبران سندیکا با گفتن کلمه ما سیاسی نیستیم از شرکت در حرکت های جمعی خود داری کرده و از حرکت های اعتراضی بخش های دیگر، دستگیری فعالین کارگری و غیره حمایت مستمر نمی کنند در اصل تلاش دارند کارگر فقط کارگر باشد. به اینکه دیگر هم سرنوشتشان در گوشه ای دیگر از این شهر به خاطر اخراج

های دسته جمعی، افزایش دستمزد، پرداخت نشدن ماه ها حقوق معوقه خود اعتراض کرده اند و به بیکاری و زندان محکوم شده اند، کاری نداشته باشند .

یکی دیگر از عوامل عدم موفقیت سندیکای شرکت واحد، تلاش رهبران سندیکا در محدود کردن مبارزات کارگران در دایره محدود مبارزات اقتصادی و صنفی می باشد. تلاشی که در برابر رشد مبارزات کارگران مانع ایجاد کرده و به کار آیی و برای سندیکا لطمه جدی زده است. رهبران سندیکا با تکیه بر صنف خود، به جدایی و تفرقه کارگران دامن زدند و با محدود کردن مبارزات کارگران در دایره تنگ صنفی، توان و پتانسیل مبارزات کارگران شرکت واحد را به هدر داده و آنان را پاسیو ساختند. تلاشی که نتیجه ای جز تمکین طبقه کارگر مقابل سرمایه ندارد .

اینکه مبارزه اقتصادی طبقه کارگر یک رکن اساسی و حیاتی مبارزه طبقاتی و زمینه اصلی آگاهی توده های وسیع به هویت طبقاتی شان است، جز عیدیهای می باشد. آنچه مسلم است مبارزات کارگران برای بهبود کار و زندگی و افزایش دستمزد، بدون تشکل و اعتصاب، امکان پذیر نیست، اگر تشکل نباشد مطمئناً افزایش دستمزد نیز غیر ممکن است. هیچگاه کارگران با مبارزه پراکنده و بطور فردی نمی توانند به مطالبات خود برسند. کارگران با متحد شدن و ایجاد تشکل و مبارزه پراکنده و بطور فردی نمی توانند به مطالبات خود برسند. کارگران با متحد شدن و ایجاد تشکل و مبارزه جمعی می توانند به مطالبات خود دست یابند. اگر تشکل نباشد، نمی توان هیچ حرکت جمعی را سازمان داد و اگر تلاش جمعی نباشد به اضافه دستمزد نمی توان رسید. کارگران باید بدانند مبارزات صنفی و اقتصادی جدا از مبارزات اجتماعی نمی باشد، همانطور که برای بهبود زندگی و افزایش دستمزد باید مبارزه کرد، برای حق تشکل و اعتصاب و آزادی بیان نیز باید مبارزه کرد. در شرایط کنونی مبارزات کارگران چنان بهم پیوسته است که دیگر مبارزات کارگران در چهار چوب مسائل صنفی نمی گنجد و فرا صنفی می باشد. تجربه مبارزات اخیر بخوبی نشان داده است که کارگران تنها با مبارزه مستقیم و متحد خود میتوانند برخی مطالبات و خواستههایشان را به سرمایه داری تحمیل کنند. کارگران باید بدانند هر کدام عضوی از یک طبقه اند و سرنوشتشان به هم گره خورده و رسیدن به کوچکترین مطالبه ای موفق نمی شوند، مبادا که از مبارزات یکدیگر در بخش های مختلف حمایت کنند و پشتیبان هم باشند. باید یاد بگیرند تنها سلاحشان اتحاد آنان به عنوان یک طبقه می باشد و تنها زمانی می توانند به زندگی شایسته انسان دست یابند که به عنوان یک طبقه در میدان مبارزه شرکت کنند .

محمد – احسان

*متاسفانه در نوشته ای که در بولتن ۴ چاپ شده بود از اصطلاح تشکل مستقل استفاده کرده بودم. دوستان گوشزد نمودند در این مورد توضیحاتی بدهم هر جا از اصطلاح مستقل استفاده کرده ام منظور مستقل از دولت و کارفرما می باشد .